



تحولات سوریه در میانه دو نشست آستانه

دکتر امین پرتو *

اشاره:

نشست «آستانه ۱» در قزاقستان برای دستیابی به صلح در سوریه، مورد ایرادات متعددی بود و به رغم امیدوارانه‌بودن افق مذاکرات، آن میزان ارزشمند بود که دولت و مخالفان را به ادامه گفتگو در قالب نشست‌های «آستانه ۲» قانع کند. در این میان، نبرد با داعش در جبهه‌های مختلف ادامه یافت؛ آمریکا با دونالد ترامپ رئیس‌جمهور جدید خود، در جستجوی اجرای طرح جدیدی برای سوریه است که ادعا می‌شود با طرح‌های دوران اوباما متفاوت خواهد بود؛ جنگ داخلی گسترده و خونینی میان مخالفان اسد، در شمال سوریه در گرفته و ائتلاف‌ها و آرایش‌های جدیدی از نیروها پدید آورده است؛ هیئت تحریر الشام، جدیدترین نام و چهره جبهه نصرت در سوریه، با ادغام گروه‌های بسیاری تحت لوای خود، به جنگ ارتش آزاد و احرار الشام رفته است.

مقدمه

از جنگ به دیپلماسی و مجدداً از دیپلماسی به جنگ؛ در نشست «آستانه ۱» تقریباً هیچ توافقی به دست نیامد جز اینکه میان نیروهای دولتی و بخشی از معارضان که مذاکرات را پذیرفته‌اند آتش‌بس برقرار باشد. چگونه چنین آتش‌بسی رعایت خواهد شد آن هم در شرایطی که طرفین یکدیگر را به طور مکرر به نقض آن متهم می‌کنند؟ طبیعتاً نیاز به نیروی ناظری است که البته هیچ یک، نظارت طرف دیگر را قبول ندارد. مخالفان، گزارش‌های روسیه در مورد آتش‌بس را قبول ندارند و در مذاکرات «آستانه ۲» خواستار شرکت ترکیه و برخی کشورهای عربی به عنوان نیروی ناظر بر آتش‌بس

هستند. دولت سوریه به هیچ رو چنین مسئله‌ای را نمی‌پذیرد. نه فقط این خواسته که خواسته دیگر مخالفان یعنی خروج نیروهای خارجی که به نفع دولت می‌جنگند (یعنی نیروهای ایرانی و نیروهای تحت فرمان آن، حزب الله لبنان و گروه‌های عراقی) به تندی رد شده است. خود آتش‌بس به شدت در معرض خطر قرار دارد: امکان تفکیک دقیق مخالفانی که آتش‌بس را قبول کرده‌اند با آنها که چنین نکرده‌اند، دشوار است. وانگهی، عجیب اینجاست که دولت با گروهی در شمال سوریه داخل آتش‌بس شده اما با همان گروه در حاشیه دمشق و جنوب سوریه در جنگ است: جیش الاسلام نمونه روشن چنین گروه‌هایی است.

از اینها گذشته، آماده‌سازی نظامی نیروهای دولتی سوریه، برای مخالفان این گمان را تقویت کرده است که اسد و نیروهایش، پس از فتح حلب، اکنون تنها در حال بازسازی و آماده‌شدن برای هجوم بعدی هستند. دریافت تجهیزات نظامی جدید از روسیه شاید مؤید این ادعای آنها باشد: علاوه بر تانک‌های تی-۹۰ اضافی، انبوهی

* همکار علمی پژوهشکده مطالعات راهبردی



از ادوات زرهی دسته دوم اما ارتقایافته از سوی روسیه به سوریه تحویل داده شده است: تانک‌های تی-۶۲، نفربرهای بی‌ام‌پی-۱ و کامیون‌های نظامی؛ جز اینکه شایعات جدی مطرح است که ۱۲ سوخو-۲۴ اضافی هم تحویل نیروی هوایی سوریه خواهد شد و انبوهی از موشک‌های زمین به زمین توشکا هم به ارتش سوریه داده شده است.

توجهی از خاک سوریه را پوشش خواهند داد. با تعداد اندکی جنگنده پیشرفته اف-۲۲ و هواپیمای رادار هوایی، چنین حفاظتی استحکام بیشتری می‌یابد. اما سؤال اینجاست اگر روسیه قصد عملیات هوایی علیه این مناطق را داشته باشد، آمریکا می‌خواهد جنگنده‌های روسی را سرنگون کند؟ اگر نیروهای دولتی علیه این مناطق به جای حمله هوایی، با موشک‌های بالستیک یا راکت حمله کنند یا آنکه دست به حمله زمینی گسترده بزنند، آمریکا به آنها حمله خواهد کرد؟ و از اینها گذشته، چنین مناطق امنی، در روند آتی جنگ یا صلح در سوریه، چه نقشی به نفع مخالفان یا به ضرر دولت سوریه و متحدانش (به ویژه ایران) ایفا خواهند کرد؟

مانند همیشه، در مورد جنگ داخلی سوریه، هیچ چیز دقیقاً مشخص نیست. آینده به سوی هر احتمال و امکانی باز است. سیاست آمریکا اما کماکان آکنده از تناقض و ابهام خواهد بود در شرایطی که ترکیه به مذاکره با آمریکا برای دست کشیدن از تسلیح کردهای سوریه (ی‌پ‌گ) ادامه می‌دهد، آمریکا برای نخستین بار تجهیزات سنگین نظامی یعنی تعداد نامشخصی نفربر زرهی ام-۱۱۷^۱ به کردها تحویل داده است. در همان حال که ترکیه اعلام می‌کند توانسته موافقت آمریکا برای خاتمه به ایفای نقش کردها

داعش تنها گروه تروریستی جهان است که توانایی تولید اسلحه و مهمات در مقیاس صنعتی آن را دارد. داعش به جز حملات رعب‌آور خودروهای زره‌پوش انتحاری، از سلاح جدیدی به صورت گسترده و مؤثر استفاده می‌کند: حملات هوایی داعش با استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین علیه نیروهای دولتی در عراق و سوریه شدت گرفته است.

فعلاً امیدواری مخالفان، به برنامه‌هایی است که ترامپ، رئیس جمهوری جدید آمریکا، برای سوریه دارد. ترامپ اعلام کرده است که منطقه امن، «قطعا» در سوریه تشکیل خواهد شد. منطقه‌ای که محل بازگشت آوارگان پر شمار سوری خواهد بود. ترامپ فرمان مطالعه برای تأمین امنیت این منطقه حفاظت‌شده را صادر کرده است. روسیه اعلام کرده که این تصمیم آمریکا بدون هماهنگی با مسکو بوده است. ترکیه و کشورهای عربی از این تصمیم استقبال کردند. آمریکا بر روی کاغذ، برای برقراری چنین منطقه امنی، دشواری فنی و نظامی زیادی ندارد. برقراری منطقه پرواز ممنوع در حاشیه شمالی و جنوبی سوریه که مخالفان حضور دارند، بدون حضور نظامی در درون سوریه هم قابل تحقق است. موشک‌های ضد هوایی پاتریوت اگر در ترکیه و اردن مستقر شوند، تا عمق قابل

۱. این نفربرها مجهز به تیربار ۱۲٫۷ م م و نارنجک اندازه‌های ۴۰ م م هستند. این نفربرها در زمره خودروهای زرهی امنیتی (Armored Security Vehicle) قرار می‌گیرند که زره سبک تری دارند و نه نفربرهای زرهی (Armored Personal Carrier). با وجود زره سبک، در برابر آتش آربی‌جی و بمب کنار جاده‌ای بسیار مقاوم است و تحرک و انعطافش قابل توجه است و می‌تواند قاتلی مهیب برای وانت‌های مسلح به تیربار (ابزار دارای عمومیت در جنگ داخلی سوریه) باشد.

ندارند. هم‌قطاران آنان از جبهه جولان، حملاتی برای شکستن محاصره آنها صورت می‌دهند اما این حملات قدرت کافی برای شکستن محاصره نداشته است.

مخالفان در محورهای متعدد دست به عملیات علیه نیروهای اسد زده‌اند اما توفیق قابل ملاحظه‌ای حاصل نشده است: در لاذقیه، حملات آنان، منتهی به هیچ پیشرفتی نشد. بر سر و صداترین عملیات مخالفان در جنوب و شهر درعا بود. اتاق عملیات موسوم به «بنیان مرصوص» با این ادعا که در برابر تجاوزات و نقض آتش‌بس مکرر از جانب نیروهای اسد، دست به اقدام متقابل می‌زند، عملیات موسوم به «الموت و لا مدله» را علیه نیروهای دولتی اجرا کرد. اهمیت این عملیات در این بود که درعا از ابتدای سال ۲۰۱۶ (نبرد دوم شیخ مسکین و سقوط این شهر به دست نیروهای دولتی) تاکنون شاهد عملیات گسترده مخالفان علیه دولت نبوده است. گرچه نیروهای دولتی کوشیده بودند در ماه‌های اخیر تاکتیکی مشابه حاشیه دمشق، در محاصره و سپس فتح یک به یک شهرهای این منطقه اجرا کنند (مانند شهر محاصره که اکنون در محاصره است و مقاومت می‌کند) اما این عملیات مخالفان واقعاً غافلگیرکننده بود و مانعی برای تداوم چنان تاکتیکی در درعا محسوب می‌شود. پیشرفت مخالفان به سبب بافت متراکم ساختمانی «حی المنشیه» درعا بسیار کند و پرتلفات بوده است؛ با این حال نکته‌ای اساسی در این عملیات وجود دارد که خطری بسیار مهم برای آینده آتش‌بس و صلح در سوریه است: عملیات گرچه عمدتاً توسط تحریر الشام (جبهه نصرت و متحدانش) اجرا شده است، اما احرار الشام و نیز گروه‌های دیگر مانند جیش الاسلام و شاخه‌های ارتش آزاد در آن مشارکت گسترده دارند. از این گذشته اگر مخالفان همچون سال‌های قبل بخواهند هم‌زمان آتش عملیات نظامی را در شمال و جنوب بیافروزند، کار نیروهای دولتی بسیار دشوار خواهد شد. بدون تردید، بخش قابل توجهی از موفقیت‌های نیروهای دولتی در فتح حلب، پاکسازی قلمون غربی و غوطه غربی و نیز فشار سنگین بر غوطه شرقی، با سکوت جبهه درعا حاصل شده است. اشتعال هم‌زمان این جبهه‌ها، از تمرکز آتش و نیروی انسانی نیروهای دولتی می‌کاهد. به نظر می‌آید این راهبرد از سوی بخشی از مخالفان (به ویژه تحریر الشام) در مدت پیش رو دنبال شود.

در عملیات رقه علیه داعش را کسب کند، آمریکا و ی‌پ‌گ دوشادوش هم به سوی رقه به پیش می‌تازند. ژنرال رابرت جونز بریتانیایی، جانشین فرمانده ائتلاف به رهبری آمریکا علیه داعش، می‌گوید که رقه قطعاً توسط کردها از اشغال داعش آزاد خواهد شد.

تحولات نظامی در دوره برقراری آتش‌بس

برقراری آتش‌بس موجب نشده است تا عملیات نظامی دولت و مخالفان علیه یکدیگر متوقف شود. نه فقط داعش و جبهه نصرت که دیگر گروه‌های مخالف هم در زد و خورد با نیروهای دولتی هستند. نیروهای دولتی به خوبی توانسته‌اند پیروزی‌های خود را در حاشیه دمشق ادامه دهند. عملیات علیه منطقه وادی بردی در غرب دمشق عاقبت پس از یک ماه به پیروزی نهایی نیروهای دولتی منتهی شد. با همان الگویی که در سایر نقاط قلمون غربی و غوطه غربی به ثمر نشسته بود، این منطقه هم (که آب دمشق را تأمین می‌کند) سقوط کرد و مخالفان و اهالی آن، پذیرفتند که به منطقه ادلب نقل مکان کنند. پیامد پیروزی در وادی بردی، پیروزی نظامی دیگری در قلمون غربی بود که بدون هیچ جنگی به دست آمد. سرقایا و روستاهای اطراف آن در مرز با لبنان (سبنا، عرانا و تعدادی دیگر) عاقبت پس از سال‌ها مقاومت، بدون جنگ تسلیم شدند و قرار است برنامه انتقال همچون وادی بردی در مورد آنها هم اجرا شود. در جنوب غرب دمشق اما مخالفان در «بیت جن» و اطراف آن، همچنان به مقاومت ادامه می‌دهند و قصد تسلیم شدن



جبهه‌های نبرد با داعش

در این میان آتش جنگ با داعش گرم‌ترین قسمت نبردها در جنگ داخلی سوریه در ماه گذشته بوده است. داعش در دیرالزور به موفقیتی عمده دست یافت: شهر از وسط توسط داعش دونیم شده و ارتباط میان فرودگاه در شرق و پادگان‌ها در غرب دیرالزور قطع شده است. نیروهای دولتی در محاصره، هر چند با تلفات سنگین به مقاومت ادامه می‌دهند. پشتیبانی از مدافعان با حملات هوایی سنگین علیه داعش، ارسال ملزومات با چتر و پیاده کردن نیرو با هلیکوپتر ادامه دارد اما توفیقی در کاستن از شدت حملات داعش حاصل نشده است. داعش در بادیه شرقی حمص در برابر هجوم نیروهای دولتی عقب‌نشینی گسترده‌ای انجام داده اما توانسته با حملات توپخانه‌ای، هجوم‌های ناگهانی و کمین از طریق کاربرد گسترده موشک‌های ضدتانک، پیشروی را کند و پرتلفات کند. خطر از فرودگاه تی‌فور تا حد زیادی دور شده اما داعش با جابه‌جایی سریع، نیروهایش را از نابودی حفظ کرده است. این جابه‌جایی سریع موجب شد تا داعش در حومه شرقی دمشق دست به حمله‌ای برق‌آسا بزند: پادگان گردان ۵۵۹ سقوط کرد، فرودگاه صیقل تهدید شد و قلمون شرقی محل تاخت و تاز داعش گردید. هر چند که داعش امکان حفظ فشار در این منطقه را به سبب بعد مسافت ندارد. از این گذشته خطوط مواصلاتی نیروهای داعش در اینجا علاوه بر نیروهای دولتی، مورد حمله گروه‌های شورشی در قلمون هم هست: قوات احمد العبدو، فیلق الرحمان و جیش الاسلام مانعی مهم برای داعش هستند تا در قلمون شرقی جای پای مستحکمی پیدا کند. گرچه داعش هم با محاصره آنها در این منطقه، به نیروهای دولتی خدمتی ناخواسته می‌کند.

داعش همه جا در حال حمله و پیروزی نبوده است: در محور رقه، ی‌پ‌گ (کردها) به پیشروی خود از سه جهت به سوی شهر رقه ادامه داده‌اند. آنها در محور غربی (سد طبقه) بر اثر ضد حمله داعش مجبور به عقب‌نشینی شدند اما در محور شرقی و شمالی پیشروی نمایانی کردند. در محور الباب، نیروهای مشترک ترکیه و ارتش آزاد، بیرون شهر الباب درجا می‌زنند. با وجود متحمل شدن تلفات نسبتاً قابل توجه از سوی آنان و با وجود آتش سنگین هوایی و توپخانه‌ای، هیچ پیشرفت عمده‌ای در الباب صورت نگرفته است.

کمک نیروی هوایی روسیه به نیروهای ترکیه برای فتح الباب، در یک اشتباه نظامی به کشته‌شدن تعدادی از نیروهای ترکیه منتهی شد؛ روسیه عذرخواهی کرد و ترکیه این پوزش را پذیرفت. البته در عملیات هوایی و توپخانه‌ای ترکیه تعداد زیادی غیرنظامی سوری کشته شدند که کسی برای کشته‌شدن آنان پوزش نخواهد خواست. نیروهای دولتی سوریه، از درج‌ازدن نیروهای ترکیه و ارتش آزاد در شمال الباب بهره جسته و مناطق باقی‌مانده در کنترل داعش در جنوب الباب و تادف را تصرف کردند. با این حال آنان عامدانه از حمله به نیروهای ترکیه و ارتش آزاد در این منطقه خودداری و از ورود به الباب و حاشیه آن احتراز کرده‌اند. در عوض، نیروهای دولتی نواحی تحت تصرف داعش در شرق حلب را یکی پس از دیگری تصرف می‌کنند: آنان چشم به تصرف «رسم الحرمل الإمام» و «دیرحافر» را دارند؛ به این شیوه راه احتمالی ترکیه و ارتش آزاد به سوی جنوب قطع خواهد شد و رویای رسیدن به رقه از طریق کرانه غربی فرات، برای نیروهای «سپرفرات» ترکیه، از میان خواهد رفت.

داعش در نواحی دیگر هم مورد حمله قرار گرفته است هر چند که تجمع و اهمیت نیروهای داعش در این نواحی اندک است. در عمق بادیه، نیروهایی از مخالفان که بیشتر علیه داعش فعالند تا حکومت، وارد برخی نقاط شرقی استان سویدا شدند و داعش را از «عردالکرا» بیرون راندند. ممکن است آنان به سوی غرب، یعنی محل تمرکز بیشتر داعش



در میان آنها داشت به مانع اصلی فراروی فتح الشام بدل شده بود. در پی ناتوانی در اقناع احرار الشام، فتح الشام چاره‌ای جز اعلام جنگ به دیگر گروه‌های مخالف اسد نیافت. نخست گروه جیش المجاهدین که در شمال حلب مستقر است، مورد حمله این گروه قرار گرفت. در این اعلام جنگ، دو گروه جندالاقصى و حرکت نورالدین زنگی هم با فتح الشام همراه شدند. در این حملات، تمام نقاط تحت کنترل جیش المجاهدین به تصرف مهاجمان درآمد و موجودی تسلیحات آن مصادره شد. جیش المجاهدین از جمله گروه‌هایی است که تعداد زیادی موشک تاو دریافت داشته است. در این میان، فتح الشام اعلام کرد که گروه جدیدی با نام «هیئت تحریر الشام» تشکیل داده است. علاوه بر جندالاقصى و حرکت نورالدین زنگی، گروه‌هایی مانند جیش السنه و جبهه انصارالدین و نیز قریب به هزار تن از نیروهای احرار الشام به تحریر الشام ملحق شدند. گروه‌های مخالف این روند که احساس خطر کرده بودند نیز به سرعت راه ادغام با احرار الشام را پیش گرفتند. تجمع فاستقم کمامرت، صفور الشام، جیش المجاهدین، کاتب ثوار الشام، جبهه شامیه (بخش غربی حلب) و جیش الاسلام (بخش ادلب) اعلام کرده‌اند که در احرار الشام ادغام شده‌اند. فیلق الشام و جیش ادلب الحر (ادغامی از سه گروه فرقه الشمالیه، لواء الصقور الجبل و فرقه ۱۳) نیز اتحاد با احرار در نبرد با جبهه نصرت را اعلام کرده‌اند. تعداد زیادی از گروه‌های کوچک دیگر مانند لواء مقداد بن عمر هم به احرار پیوستند. تحریر الشام در حالی که همه گروه‌ها را به وحدت و حمله علیه نظام اسد فرا می‌خواند، همزمان به مقرهای شاخه‌هایی از ارتش آزاد در ادلب، اطراف حما و حلب ادامه داد و آنان را کشته یا خلع سلاح و زندانی نمود. فعالیت هیئت‌های شرعی برای ایجاد سازش میان این گروه‌ها ادامه دارد اما اتفاقی عجیب در این میان رخ داد که نشان می‌دهد اوضاع در کنترل تحریر الشام نیز نیست. گروه جندالاقصى در اطراف حما، با حمله به چند شهر در دست مخالفان، آن شهرها را تصرف و دست کم ۱۷۰ تن زندانی را (عمدتاً از نیروهای ارتش آزاد) اعدام کرد. جندالاقصى به نیروهای تحریر الشام هم حملات خونینی کرد. در این درگیری‌ها دست کم یک صد تن از طرفین کشته شدند. تحریر الشام چون وضعیت را چنین دید، بلافاصله ضمن اعلام برائت کامل از جندالاقصى، آن را هسته خفته داعش

پیشروی کنند. اگر چنین شود، ممکن است آنها با نیروهای دولتی تصادم پیدا کنند. در دعا، نیروی هوایی اردن علیه نیروهای پیمان بسته با داعش (جیش خالد بن ولید) دست به حمله هوایی زد.

اگر داعش بر پا مانده، با اتکا به هنر جنگاوری‌اش برپا بوده است. داعش تنها گروه تروریستی جهان است که توانایی تولید اسلحه و مهمات در مقیاس صنعتی آن را دارد. داعش به جز حملات رعب‌آور خودروهای زره‌پوش انتحاری، از سلاح جدیدی به صورت گسترده و مؤثر استفاده می‌کند: حملات هوایی داعش با استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین علیه نیروهای دولتی در عراق و سوریه شدت گرفته است. با کمک این هنر جنگاوری، داعش توانسته همچنان مانع سقوط خود در سوریه و عراق شود. در عراق، داعش نه فقط همچنان در موصل مقاومت می‌کند بلکه توانسته است محاصره موصل را از غرب را در هم شکسته و نیروهای عراقی را از حاشیه تل‌عفر به عقب براند. این به جز تلفات سنگین انسانی و تجهیزاتی است که نیروهای دولتی عراق متحمل می‌شوند.

جنگ داخلی میان مخالفان

عاقبت پس از مدت‌ها، تنش نهفته میان فتح الشام (جبهه نصرت سابق) و احرار الشام و سایر گروه‌های مسلح مخالف حکومت به مرحله رویارویی نظامی کامل رسید. فتح الشام مدت‌ها در پی ادغام همه گروه‌های مخالف تحت فرماندهی خود بود. این خواسته البته با مخالفت اکثر گروه‌ها روبه‌رو شده بود. به ویژه احرار که قدرت بیشتری



خواننده و شروع به پاک‌سازی مناطق تحت کنترل این گروه کرد. درگیری‌ها همچنان میان دو طرف ادامه دارد.

آرایش جدید نیروهای مخالف دولت در ادلب و پیرامون آن نشان می‌دهد که احرار الشام و ارتش آزاد در کوشش هستند تا حساب خود را به طور کامل از جبهه نصرت و متحدانش که حالا نام جدید تحریر الشام را جایگزین فتح الشام کرده‌اند، جدا کنند. در شرایطی که حملات هوایی نه فقط روسیه بلکه آمریکا هم علیه فتح الشام تشدید شده است، این اقدام قابل فهم به نظر می‌رسد. در ماهی که گذشت، ابوهانی المصری از رهبران نظامی احرار الشام در حملات هوایی آمریکا کشته شد. تعداد زیادی از عناصر حرکت نورالدین زنگی هم بر اثر بمباران هوایی آمریکا در ادلب کشته شدند. این نخستین بار بود که چنین گروه‌هایی مستقیماً مورد حمله آمریکا قرار می‌گرفتند. البته آمریکا نسبت به ماهیت احرار یا نورالدین زنگی تردیدی ندارد. احرار که بسیاری از رهبران، پیش‌تر با القاعده همکاری می‌کردند و برای مرگ ملا عمر، رهبر طالبان، پیام تسلیت فرستاده و او را اسوه مسلمین می‌نامد، گروهی مطلوب آمریکا نخواهد بود. نورالدین زنگی هم با ادغام با جبهه نصرت تحت لوای تحریر الشام، تکلیف مشخصی دارد.

البته در دوگانه میان احرار و تحریر الشام، برخی گروه‌ها کوشیده‌اند بی‌طرفی پیشه کنند یا اینکه دست کم استقلال خود را - با اتکاء به قدرت خود حفظ کنند. دو گروه نیرومند ارتش آزاد یعنی جیش النصر و جیش العزه که در شمال حما فعال هستند، چنین کرده‌اند؛ گرچه ناگزیر از همکاری با طرف نیرومندتر در هر منطقه خواهند بود.

نتیجه‌گیری

نشست «آستانه ۲» به شکست انجامیده است: دولت سوریه خواستار خروج ترکیه از خاک خود شده است و مخالفان نیز خواستار خروج ایران و حزب الله لبنان از سوریه؛ در عین حال مسئله تعیین هیئت ناظر بر آتش‌بس هم به هیچ نتیجه‌ای نرسید. با وجود این همچنان آتش‌بس شکننده فعلی حفظ شده است بدون اینکه در مسائل اساسی مانند کمک‌رسانی به مناطق تحت محاصره یا ابتکار سیاسی برای سازش نهایی پیشرفتی حاصل شود. قانون اساسی پیشنهادی، از سوی روسیه هم مورد قبول مخالفان قرار نگرفته است. تغییر نام

سوریه (حذف صفت عربی از نام کامل کشور)، کاهش اختیارات رئیس‌جمهوری و افزایش اختیارات پارلمان، ضمانت حقوق اقلیت‌ها، حق خودمختاری برای کردها، الزام‌آوری قراردادهای بین‌المللی برای دولت (که در حال حاضر در قانون اساسی وجود ندارد) و محدودیت دوره ریاست‌جمهوری به دو دوره ۷هفت‌ساله بنیان‌های اصلی این قانون اساسی جدید هستند. حتی اگر در سال جاری این قانون اجرا شود (چیزی که غیرممکن می‌نماید) بشار اسد می‌تواند تا ۱۴ سال دیگر (سال ۲۰۳۱) رئیس‌جمهور سوریه باقی بماند. تردیدی نیست که مخالفان چنین طرح‌هایی را قاطعانه رد کنند. مذاکرات پس از آستانه ۲ به ژنو موکول شده است. در این میان، بیم و امید نسبت به طرح‌های جدید آمریکا در خصوص سوریه به خصوص طرح مناطق امن، اقدامات احتمالی ترکیه علیه کردها (ی‌پ‌گ) که می‌تواند شامل حمله به سوی منبج یا تل رفعت باشد، اتحادها و دشمنی‌های جدید در درون مخالفان، ضدحملات داعش و نیز تداوم کوشش جنگی اسد برای تقویت قوای نظامی خود، وضعیت بغرنج و لرزانی را پدید آورده است که در آن، همین آتش‌بس محدود، لرزان و دائماً نقض‌شده، دستاوردی بسیار عظیم به شمار می‌رود.

